

سازوکارهای حقوقی حمایت از کودکان در برابر خطرات اعتیاد والدین

علی مراد حیدری^۱

چکیده

اعتیاد والدین خطرات جبران ناپذیری برای سلامت جسم و روان اطفال و نوجوانان دارد؛ در بسیاری موارد، کودکان والدین معتاد، خودشان هم در معرض ابتلاء به اعتیاد - حتی اعتیاد اجباری- هستند. از سوی دیگر فقدان مسئولیت کیفری اطفال یا مسئولیت تخفیف یافته نوجوانان، موجب می شود گاه والدین از کودکانشان برای جابجایی یا خرید و فروش مواد مخدر استفاده کنند. از این روی قانونگذار در مرحله نخست در بند ۳ ماده ۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، «ابتلاء هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان‌آور نظیر مواد مخدر» را از جمله مصادیق «وضعیت مخاطره آمیز» برای طفل یا نوجوان دانسته و راهکارهای پیشگیرانه ای برای دور نگه داشتن اطفال و نوجوانان از خطر اعتیاد پیش بینی کرده است؛ و در مرحله دوم در ماده ۱۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، در اختیار قراردادن یا فروش مواد دخانی به اطفال و نوجوانان یا به واسطه آنان را جرم انگاری است؛ و در مرحله سوم، در ماده ۳۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن (الحاقی مصوب ۰۹/۰۵/۱۳۸۹) ترغیب یا وادار کردن اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون - که عمدتاً از سوی والدین معتاد انجام می شد- را از اسباب افزایش مجازات دانسته است. پرسش اصلی ناظر به کارایی و بسندگی راهکارهای موجود برای حمایت از اطفال و نوجوانان در برابر خطرات اعتیاد والدین است؟ از دید نگارنده تولد تعداد زیادی نوزاد مبتلا به اعتیاد از یک سو و نیز اعتیاد یا مشارکت بسیاری از کودکان خانواده های معتاد در فعالیت های مخدری، نشان دهنده ناکارآمدی و ناکافی بودن این ساز و کارها است.

واژه‌های کلیدی

اعتیاد، مواد مخدر، کودک، نوجوان، طفل در معرض خطر.

^۱. دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه حضرت معصومه(س) قم a.m.heydari@hmu.ac.ir

مقدمه

اعتیاد والدین زمینه ساز بزهکاری و بزه دیدگی اطفال و نوجوانان است. والدین معتاد نه تنها زمینه کشانده شدن کودکان به سوی اعتیاد، تکدی، کارخیابانی، تن فروشی و ... است، بلکه پژوهش های مختلف نشان داده کودکانی که در محیط اعتیاد و بزهکاری بزرگ می شوند، در آینده بیشتر در معرض ارتکاب جرم هستند. بدسرپرستی کودکان و نوجوانان که والدین معتاد نمونه بارز آن هستند، منجر به بی خانمانی و خیابان گردی آن ها می شود که خود زمینه آسیب های اجتماعی بعدی مانند اعتیاد، تکدی، خرید و فروش مواد مخدر و انحرافات جنسی است.[۱]

در تحقیقی که سازمان بهداشت جهانی (WHO) روی بیش از ۵۵۰ کودک انجام داده مشخص شد که نزدیک به صد درصد کودکان کار و خیابان در شهرهای تورنتو و مونترال از داروهای مخدر استفاده می کنند. همچنین انحرافات جنسی، بیشتر در کودکان کارتن خواب شایع است و خرید و فروش مواد مخدر به دلیل سودآور بودن آن از اهمیت بالایی در نزد این کودکان برخوردار است. تکدی و ولگردی نیز از جرائم بسیار شایع در میان آنهاست.[۲] در ایران نیز کودکان کار و خیابان ۷۰ درصد مصرف کنندگان مواد مخدر را در تهران به خود اختصاص می دهند.[۳]

گسترده ترین پژوهش در حوزه جرم بین اعضای خانواده، در مطالعه کمبریج در رشد بزهکاری انجام شده که مطالعه ای زمینه یابی طولی شامل ۴۰۰ مرد از سن ۸ تا ۴۸ سالگی بود.[۴]

از همین روی، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ از یک سو در بند ۳ ماده ۳، «ابتلاء هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به اعتیادهای زیان آور نظیر مواد مخدر و روانگردان یا قمار» را از مصادیق در معرض خطر بودن طفل و نوجوان دانسته و از سوی دیگر در بند ۵ همین ماده، «وارد شدن یا وارد کردن طفل و نوجوان در فعالیتهایی نظیر تکدی گری و قاچاق و همچنین اعتیاد آنان به مواد مخدر، روانگردان یا مشروبات الکلی» را از جمله مصادیق وضعیت مخاطره آمیز دانسته است.

در نظام حقوقی ایران ساز و کارهای حمایت از کودکان در برابر اعتیاد والدین در قالب در معرض خطر دانستن کودکان با والدین معتاد تجلی یافته و به طور کلی این ساز و کارها شامل ساز و کارهای سلبی و ایجابی است.

۱. ساز و کارهای سلبی

مراد از ساز و کارهای سلبی، راه کارهایی است که مبتنی بر جرم انگاری معتادسازی کودکان و یا جداسازی و دور نگاه داشتن کودکان از والدین معتاد است.

۱.۱. جرم انگاری عرضه مواد دخانی و مخدر به اطفال و نوجوانان

کودکان به جهت اینکه قدرت درک و تجزیه و تحلیل پیامدهای مصرف مواد دخانی و آثار آن بر سلامتی خود یا دیگر شهروندان را ندارند، ممکن است به آسانی در دام مصرف و یا اعتیاد به مواد دخانی بیفتند. هیجانات دوره نوجوانی نیز در کنار روحیه کنجکاوی، تفریح و تنوع طلبی آنان به این روند کمک می کند.

از این روی قانونگذار در ماده ۱۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، در اختیار قراردادن یا فروش مواد دخانی به اطفال و نوجوانان یا به واسطه آنان را موجب ضبط مواد دخانی کشف شده و محکومیت مرتکب به جزای نقدی درجه هشت قانون مجازات اسلامی دانسته است. این ماده صرفاً ناظر به عرضه «مواد دخانی» مانند سیگار و قلیان یا فروش همین مواد به کودکان است که عمده‌تاً از سوی فروشندگان مواد غذایی و مغازه ها یا قهوه خانه ها صورت می گیرد و عرضه این مواد به صورت «اختیاری» است.

شایسته بود در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، عرضه مواد مخدر و داروهای روانگردان نیز بطور خاص جرم انگاری و برای آن ضمانت اجراء تعیین شود، به ویژه که نداشتن مسئولیت کیفری اطفال یا مسئولیت تخفیف یافته نوجوانان، موجب می شود به راحتی مورد سوء استفاده بزهکاران و قاچاقچیان مواد مخدر قرار گیرند و حتی گاه والدین هم از کودکانشان برای ارتکاب جرایم مواد مخدر استفاده کنند. فروش مواد مخدر از یک طرف برای عرضه کنندگان آن دارای سود فراوان می باشد و از طرف دیگر آنها می کوشند با توجه به ویژگی های شخصیتی و تاثیرپذیری زیاد اطفال و نوجوانان از محیط پیرامونی خود با اغفال و ریختن طرح دوستی؛ آنها را به ورطه اعتیاد کشانده و به عنوان ابزاری برای توزیع و فروش مواد افیونی خود استفاده نمایند.

در این خصوص در ماده ۳۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر (الحاقی مصوب ۰۹/۰۵/۱۳۸۹) آمده است: «هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون وادار کند... به یک ونیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می شود.» موضوع جرم در ماده ۳۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، عرضه «مواد مخدر» سنتی یا صنعتی مانند تریاک یا هروئین و یا استفاده از نوجوانان برای فروش و توزیع مواد مخدر است که بیشتر توسط قاچاقچیان یا فروشندگان مواد مخدر محقق می گردد و عرضه مواد به صورت «الزام» به مصرف مد نظر است. [۵]

چنانچه کشاندن طفل و نوجوان به سمت مصرف یا ارتکاب جرایم مواد مخدر به صورت الزامی نباشد و به صورت آزادانه و در قالب تشویق و تحریک و ترغیب باشد، مرتکب که در واقع معاون است، به مجازات مباشر محکوم می شود که این رویکرد سختگیرانه در راستای حمایت بیشتر از اطفال و نوجوانان در برابر خطر اعتیاد یا ارتکاب جرایم مواد مخدر است.

راه کار ماده ۳۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان را نیز باید در راستای راه کارهای سلبی تحلیل کرد که به موجب آن، کلیه جرایم موضوع این قانون جنبه عمومی داشته و بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب می باشد و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب موقوف نخواهد شد.

این مقرر به ویژه در خصوص والدین معتاد کارآمد است که چه بسا خود مرتکب جرم علیه فرزند خود شده باشند یا اینکه در قبال بزه دیدگی فرزند خود با بزهکار معامله کرده باشند.

۲.۱. سلب حق حضانت والدین معتاد از اطفال و نوجوانان

جرم شناسان حساسیت زیادی نسبت به اطفال و نوجوانان دارند و راه کارهایی جهت پیشگیری از گرایش این گونه اطفال به سوی بزهکاری و حمایت از این اطفال در برابر تعرضات سرپرستان و والدین ارائه می کنند که از جمله این راه کارها، سلب حق حضانت و دور نگه داشتن این گونه فرزندان از والدین و سرپرستان است.

در ایران ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی (اصلاحی ۱۳۷۶/۸/۱۱) مقرر داشته است: «هر گاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا ترتیب اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل و یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضائی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند. موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است: ۱- اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار...».

از سوی دیگر برابر ماده ۳۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، هرگاه حمایت و رعایت مصلحت طفل یا نوجوان در معرض خطر و بزه دیده، مستلزم اتخاذ تصمیم در خصوص حضانت، ولایت، قیمومت، سرپرستی، ملاقات، عزل ولی قهری، سپردن به خانواده جایگزین یا مراکز بهزیستی و یا سایر نهادها و مؤسسات اجتماعی، تربیتی، درمانی یا بازپروری، نگهداری در مکانی مطمئن و امن و یا سپردن موقت به شخص مورد اطمینان دادگاه باشد، دادستان گزارشی در مورد وضعیت طفل و نوجوان و ادله ضرورت اتخاذ اقدامات مزبور تهیه و به دادگاه خانواده ارسال می کند.

ماده ۴۲ قانون حمایت اطفال و نوجوانان هم جلوه دیگری از مصون سازی از طریق دور نگه داشتن کودکان از والدین معتاد است که به موجب آن، دادگاه رسیدگی کننده به جرائم موضوع این قانون، «در صورت ضرورت و مصلحت طفل یا نوجوان می تواند ضمن صدور حکم محکومیت، حسب مورد یک یا چند مورد از تصمیمات زیر را اتخاذ کند. این تصمیمات از حیث قابلیت تجدیدنظرخواهی تابع حکم اصلی است: ... ب) ایجاد محدودیت در اعمال حقوق مربوط به ملاقات، حضانت، ولایت، قیمومت، وصایت و سرپرستی طفل و نوجوان.»

۲. ساز و کارهای ایجابی

مراد از ساز و کارهای ایجابی، راه کارهایی است که مبتنی بر توانمندسازی کودکان برای اداره زندگی و تربیت است. این راه کارها شامل آموزش روش های تربیت فرزند، حمایت از فرزندان زندانیان و معرفی کودکان کار به مراجع حمایتی است.

۱.۲. آموزش و توانمندسازی والدین

از جمله راه کارهایی که در جرم شناسی جهت پیشگیری از گرایش اطفال با والدین معتاد به سوی بزهکاری و حمایت از این اطفال در برابر تعرضات سرپرستان و والدین ارائه می شود، راه کارهای حمایت کننده خانوادگی از جمله توانمندسازی و نظارت خانوادگی است. از جمله این راه کارها تشکیل دوره های آموزشی فرزندداری و کارگاه های توانمند سازی والدین از حیث شیوه نگهداری و تربیت اطفال است. [۶]

در این زمینه ماده ۴۳ قانون حمایت اطفال و نوجوانان مقرر داشته که در تمام موارد موضوع این قانون، قاضی رسیدگی کننده می تواند در کلیه مراحل رسیدگی والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی اطفال و نوجوان یا سایر اشخاص مرتبط با پرونده را ملزم به شرکت و اخذ گواهی دوره های آموزشی حقوق اطفال و نوجوانان کند.

۲.۲. حمایت از فرزندان والدین زندانی

پژوهش های آماری و میدانی پرونده های قضایی نشان داده است والدینی که سابقه محکومیت زندان دارند، فرزندان آنها در طول زندگی به احتمال قوی تری در معرض مشکلات و در نتیجه ارتکاب جرم و دستگیری و محکومیت قرار می گیرند، به گونه ای که بسیاری از جوانان که والدین آنها در زندان به سر می برند، در نهایت خودشان نیز به زندان خواهند رفت. [۷]

چه بسا به همین دلیل است که بند پ ماده ۶ قانون حمایت اطفال و نوجوانان، اعلام داشته است: «سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است... ۳- اطفال و نوجوانانی را که پدر یا مادر یا سرپرست قانونی آنان در زندان به سر می برند، به سازمان بهزیستی کشور معرفی کرده تا برابر مقررات، طفل یا نوجوان نیازمند را حمایت کند.» چرا که در هر حال برخی از والدین معتاد، به جهت بزهکاری در زندان به سر می برند و رهاسازی و بی توجهی به کودکان این افراد می تواند آن ها را در معرض بزهکاری در آینده قرار دهد.

۳.۲. معرفی کودکان کار به مراجع حمایتی

بهره کشی اقتصادی از اطفال توسط والدین معتاد یکی از مصادیق بارز نقض حقوق کودکان است که زمینه ساز تبدیل طفل به کودک کار و در نتیجه رشد و نمو در محیط های جرم زا می شود و روشن است هرچه سن کودک در هنگام قرار گرفتن در معرض عوامل خطر ساز کمتر باشد و هرچه عوامل خطر ساز بیشتر باشد، ریسک بزه کاری و ارتکاب جرم افزایش می یابد [۸]

به هر حال این واقعیت تلخی است که بسیاری از والدین معتاد کودکان خود را به سمت کار اجباری می کشانند و بسیاری از کودکان کار، فرزندان والدین معتاد هستند. از این روی برابر بند ۶ ماده ۶ قانون حمایت اطفال و نوجوانان، «وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف است اقدامات زیر را انجام دهد: ... ۲- معرفی اطفال و نوجوانان بزه دیده یا در معرض خطر به نهادهای حمایتی و قضائی.» از جنبه عملی، نهاد اجرایی حمایت از اطفال و نوجوانان، «دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه» است که برابر ماده ۴ قانون حمایت اطفال و نوجوانان، برای اهداف زیر در قوه قضائیه تشکیل می شود:

❖ ایجاد زمینه های همکاری با سایر نهادها؛

❖ تهیه گزارش های موردی یا ادواری؛

❖ انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی؛

❖ پایش و ارزشیابی فعالیت های دفاتر استانی و شهرستانی.

از سوی دیگر، برابر ماده ۵ قانون حمایت اطفال و نوجوانان، با تشخیص رئیس قوه قضائیه، در حوزه های قضائی شهرستان و تحت نظر دادستان ساختار و تشکیلات مناسب جهت ایجاد زمینه های همکاری با سایر نهادها و اجرای وظایف زیر تشکیل می شود^۲:

الف) مداخله فوری قضائی به منظور پیشگیری از بزه دیدگی اطفال و نوجوانان در معرض خطر شدید و قریب الوقوع و یا جلوگیری از ورود آسیب بیشتر به آنان؛

ب) ارائه مشاوره و معاضدت های حقوقی و تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال و نوجوانان در معرض خطر یا بزه دیده؛

پ) ایجاد شرایط مناسب در خانواده برای اطفال و نوجوانان در معرض خطر یا بزه دیده و یا معرفی آنان به بهزیستی و یا سایر نهادهای مربوط؛

ت) تهیه و ارائه گزارش از وضعیت طفل و نوجوان موضوع این قانون و درخواست اتخاذ اقدامات حمایتی - قضائی از مراجع قضائی صالح؛

ث) نظارت بر حسن اجرای آراء و تصمیمات مرتبط با طفل و نوجوان و همچنین اجرای آراء و تصمیمات ارجاعی توسط مقام قضائی و پیگیری و پایش وضعیت وی پس از اجرای رأی یا تصمیم و ارزشیابی اقدامات به عمل آمده؛

ج) تهیه گزارش های موردی یا ادواری و انجام مطالعات و تحقیقات آماری و اطلاعاتی مرتبط با طفل و نوجوان.

به نظر می رسد واحد استانی و شهرستانی دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان، دارای اختیارات و وظایف مشابه است و واحد استانی دفتر نیز همین وظایف را دارد.

^۲ تبصره ماده ۵ قانون حمایت اطفال و نوجوانان مقرر داشته است: در هر حوزه قضائی شهرستان مادام که تشکیلات موضوع این ماده ایجاد نشده است، وظایف مقرر، تحت نظارت دادستان و توسط دادیار آموزش دیده در حوزه اطفال و نوجوانان و در حوزه قضائی بخش ها با نظارت رئیس حوزه قضائی انجام می شود.

نتیجه

در ایران تا پیش از تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، کودکان والدین معتاد، از حمایت خاصی برخوردار نبودن و تنها مقرر مؤثر در این زمینه ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی ددر خصوص سلب حضانت از والدین معتاد بود. با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ کودکان والدین معتاد به عنوان یکی از مصادیق اطفال در معرض خطر مورد شناسایی قرار گرفته و از حمایت های موجود در خصوص این اطفال بهره مند شده اند.

جرم انگاری معتادسازی اطفال و نوجوانان و نیز بهره کشی اقتصادی از کودکان و نیز ضرورت آموزش روش های تربیتی به والدین و در صورت ضرورت جداسازی اطفال و نوجوانان از والدین معتاد و همچنین تحت حمایت قرار دادن کودکان والدین زندانی از جمله این راه کارها است.

با وجود این، افزایش روزافزون اعتیاد و به تبع آن کودکان والدین معتاد و تولد هر ساله تعداد زیادی نوزاد معتاد^۳، همچنین مشارکت قابل توجه کودکان والدین معتاد در رفتارهای بزهکارانه، از یک سو نشان دهنده ناکارآمدی راهبردهای مقابله با این پدیده و از سوی دیگر مستلزم توجه جدی تری در این زمینه است به گونه ای که ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز باید به عنوان یکی از نهادهای مسئول در این زمینه شناخته شده و به ویژه موظف به جلوگیری از اعتیاد کودکان در خانواده های معتاد و محافظت از آنان در برابر بهره کشی اقتصادی یا بهره کشی جنسی توسط والدین معتاد باشد.

۳. به گفته برخی مقامات مسئول در ستاد مبارزه با مواد مخدر، سالانه هفت هزار کودک معتاد در ایران متولد می شود که معادل تولد روزانه ۲۰ کودک معتاد است! در آبان سال ۱۳۹۶، رئیس اورژانس اجتماعی کشور گفت: «براساس آمار سال گذشته از سطح بیمارستان ها و درمانگاه ها، ۸۴۹ کودک مسمومیت با مواد مخدر داشته اند و در شش ماهه ابتدایی امسال نیز ۵۷۰ کودک تازه متولد شده در بیمارستان با مواد مخدر مسموم شده اند.» (پایگاه خبری تابناک، کد خبر: ۷۷۶۸۹۸، مورخ: ۱۳۹۶/۱۲/۰۵)

منابع

- [۱] علیرضا میلانی و الهام عبدی، ۱۳۹۵. تاثیر کار کودک در بزهکاری اطفال، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۱، ۳۳-۵۰.
- [۲] رضاعلی محسنی، ۱۳۸۴. بزه کاری و بزه دیدگی کودکان کار خیابانی و راهکارهای پیشگیری، ۵۳، ۱۰-۱۴.
- [۳] طاهره پاشایی، ۱۳۸۹. اعتیاد در کودکان کار و خیابان، مقالات اولین سمینار بررسی آسیب های کودکان کار و خیابان و زنان سرپرست خانوار، مؤسسه نیکوکاری مهر آفرین پناه عصر.
- [۵] [علی مراد حیدری، ۱۴۰۱. سیاست کیفری مخدري ایران و افغانستان، قم، ایران، انتشارات ألحان.
- [۶] محمود مهدوی، ۱۳۹۰. پیشگیری از جرم(پیشگیری رشد مدار)، تهران، ایران، انتشارات سمت.
- [۴] Farrington, D. P., Coid, J. W., Harnett, L., Jolliffe, D., Soteriou, N., R., & West, D. J. (۲۰۰۶). Criminal careers up to age ۵۰ and life success up to age ۴۸: New finding from the Cambridge Study in Delinquent Development. London, UK: Home Office (Research Study No. ۲۹۹), ۲۲۸-۲۳۶
- [۷] Murray, Joseph, and David P. Farrington. ۲۰۱۰. "Risk Factors for Conduct Disorder and Delinquency: Key Findings from Longitudinal Studies." Canadian Journal of Psychiatry ۵۵(۱۰):۶۳۳- ۶۴۱.
- [۸] Le Vries, Sanne LA, Machteld Hoeve, Mark Assink, Geert Jan J.M. Stams, and Jessica J. Asscher. ۲۰۱۵. "Practitioner Review: Effective Ingredients of Prevention Programs for Youth at Risk of Persistent Juvenile Delinquency-Recommendations for Clinical Practice." Journal of Child Psychology and Psychiatry ۵۶(۲):۱۰۸-۲۱.